

سینما

۶۲فیلم حائز شرایط برای رقابت در جشنواره فجر



برای شرکت در جشنواره فیلم فجر که هیات انتخاب هم‌ندارد، ۱۱۰ فیلم متقاضی بودند که پس از تطبیق آنها با قوانین و فراخوان جشنواره، اسامی ۶۲فیلم‌بلندسینمایی حائز شرایط شرکت در بخش دایوری جشنواره فیلم فجر– که بیش از ۴۰فیلم طبق جدول منتشر شده پروانه نمایش ندارند– معرفی شدند. به گزارش روابط عمومی جشنواره فیلم فجر، وضعیت پروانه نمایش فیلم‌های این دوره نیز در این فهرست مشخص شده که در این بین ۱۴ فیلم تاکنون پروانه نمایش صادر شده و ۴۸فیلم در دست بررسی شورای پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی قرار دارد.



بازگشایی سینماها و معضل عدم تقاضا برای اکران

پس از مدت‌ها تعطیلی اماکن فرهنگی، بالاخره با تغییر وضعیت شیوع کرونا در جامعه، سالن‌های سینما و تئاتر در تهران بازگشایی شدند. مرتضی شایسته، دبیر شورای صنفی نمایش در همین ارتباط گفت: سینماهای تهران با حفظ پروتکل‌های بهداشتی بازگشایی شدند و بسته حمایتی سازمان سینمایی برای حمایت از صاحبان آثار و سینمادارها هفته آینده اعلام می‌شود. او در مورد فیلم‌های متقاضی برای اکران نیز، گفت: امروز فیلم خاصی متقاضی نبود و فعلا فیلم‌های «پیش می‌شی» «آقای سانسور» و «دیدن این فیلم جرم است» اکران می‌شوند تا هفته آینده تقاضاهای اکران برسد. در حال حاضر (تا لحظه انتشار این خبر) حدود ۴۰ سینما در سراسر کشور فعال هستند و برخی سینماهای تهران طی روزهای آتی بازگشایی می‌شوند. البته بسیاری از آن‌ها در انتظار اکران یک فیلم خوب هستند تا مردم را به سینماها جذب کنند. همچنین منع رفت و آمد از ساعت ۲۱ دیگر مشکل سینمادارها است که سبب می‌شود ساعت ۱۸ رابه عنوان آخرین سانس خود در نظر بگیرند.

تجسمی

راهیابی ۱۱۵۶ اثر به بخش نقاشی جشنواره تجسمی فجر



عضو هیات دایوری بخش نقاشی جشنواره تجسمی فجر از انتخاب ۱۱۵۶ اثر در مرحله اول بخش نقاشی خبر داد. رضوان صادق زاده که با همراهی احمد کیلی و غلامعلی طاهری دایوری این دوره از آثار رشته نقاشی را به عهده داشتند در خصوص نتیجه نهایی دایوری بخش اول گفت: در بخش نقاشی، ۱۹۷۰ اثر از ۸۳۹ هنرمند در جشنواره شرکت کرده بودند که در نهایت ۱۱۵۶ اثر به مرحله دایوری نهایی راه پیدا کردند.

وی افزود: در مرحله بعد باید برگزیدگان مرحله اول اصل آثار را ارسال کنند تا دایوری نهایی صورت بگیرد. صادق زاده در باره کیفیت آثار ارسالی نیز گفت: آثاری که انتخاب شدند سطح قابل قبولی در عرصه نقاشی دارند و کسی که به تماشای آثار در جشنواره فجر می‌آید می‌تواند شاهد آثار خوبی از نقاشان عموماً زیر ۳۰ سال کشورمان باشد. وی در باره معیار انتخاب آثار نیز گفت: ما آثاری را که در حوزه‌های دیگر مثل چاپ دستی، خوشنویسی، طراحی، نقاشی قهوه‌خانه‌ای و... بود رد کردیم اما اگر کسی با رویکرد نقاشی قهوه‌خانه‌ای اثری معاصر ارائه کرده بود آن را پذیرفتیم.

سید همدین جشنواره هنرهای تجسمی فجر بهمن ۹۹ به دبیری علی اشرف صندوق آبادی و در مرکز فرهنگی و هنری صبا برگزار می‌شود.

رفیعی رادر دست ژرژ ویلسون، رئیس مدرسه می‌گذارد. تست می‌دهد و پذیرفته می‌شود؛ اما قید بازیگری در یک سریال را می‌زند تا سیاه‌لشگر تئاتر ملی فرانسه شود. او نمی‌خواست بازیگر شود چراکه «در خودم آن استطلاعات و توان را نمی‌دیدم. دلایلش را هم می‌توانستم به صورت تئوری بیان کنم. من آدمی درون‌گرا نبودم و نه برون‌گرا. دوم اینکه بلندپروازی و میل دسترسی به آفاق دیگر وادارم می‌کرد که صاحب یک آرمان، یک هدف دیگر بشوم. می‌خواهم کارگردان بشوم.»

حضور در تئاتر ملی فرانسه مصادف می‌شود با گرفتن لیسانس جامعه‌شناسی و ورود به مقطع فوق لیسانس و در نهایت حضور در مقطع دکترا. در همین راستا علی رفیعی از دستیار سومی ویلسون، بدل به دستیار اول او می‌شود. حالا هشت سال گذشته است. برای کارگردان شدن چیزی کم دارد. می‌گوید «دانش تئوریک و آکادمیک تئاتر لازم بود... مسئولیت‌های بسیاری با من بود. بنابراین محتاج تحصیل در رشته تئاتر بودم. من تازه به سوربون رفتم و سر کلاس اول رشته تئاتر نشستیم. البته آدمی با تجربه کار در تئاتر.»

دکترای جامعه‌شناسی را رها می‌کند، لیسانس رشته تئاتر می‌شود، بعد فوق لیسانس و در نهایت دکترا. حالا اوضاع عوض شده بود. وضع مالی علی رفیعی به‌به بود یافته؛ اما خودش می‌گوید آرمان‌های سیاسی داشته و طرفدار جنبش می‌۶۸ می‌شود. پسر جوانی باور تکت ارتشی و شلوار جین که عضو کنفدراسیون دانشجویی است؛ با این حال در لندن شرکت فوکس چشم انتظار اوست. می‌خواهند از او عمر شریفی تازه بیافرینند با عنوان عجیب «رفی کازال». حضور در لندن مصادف می‌شود با تماس تلفنی پیتر بروک و درخواست دستیاری برای نمایش «اورگاست». سال ۱۹۷۰ عازم تهران می‌شود به امید حضور در اورگاست؛ اما «در همان فرودگاه مهرآباد دستگیر شدم.» همه چیز برای یک مصاحبه با ساندی تایمز.

ادامه دارد...

می‌خواند و «بازندگی و محیط و فضای پاریس آشنا شدم. زندگی پاریس، در پیچه‌ها و آفاق دیگری را برای من گشود. یک روز به خودم نهیب زدم که چه می‌کنی؟ درست است که تو برای تحصیل ورزش آمده‌ای؛ ولی قرار نیست که برگردی و مربی ورزش بشوی. این برایم کم بود. منتظر و مترصد فرصتی بودم که رشته تربیت‌بدنی را رها کنم.» داستان نجات علی رفیعی از تربیت‌بدنی در دناک است. برای اسکی عازم کوه‌های آلپ می‌شود، سقوط می‌کند، پای چپش از چند نقطه می‌شکند و پزشک امر می‌کند یک سال معاف از هر حرکتی است. دولت به سفارت دسترسی می‌دهد او را به ایران بازگردانند؛ اما رفیعی جوان می‌گریزد و با بهروز نیک‌بین، دانشجوی پزشکی اهل مشهد بر می‌خورد. زندگی دیکنز وار رفیعی وارد فاز عاطفی می‌شود. او که با نیک‌بین در خانه پیرزنی پاریسی ساکن شده، می‌گوید «روزی پیرزن سر میز صبحانه گفت اتاق روبه‌رو چهل سال است بسته و درش باز نشده است. شوهر او چهل سال قبل در همان اتاق در بسته خودکشی کرده بود و پیرزن اتاق را بسته بود... به من گفت اگر می‌خواهم می‌توانم به‌طور موقت به آن اتاق بروم. در اتاق ارواح را باز کردم و به اتاق سامانی دادم تا موقتاً در آن باشم. این دوران موقت ده سال طول کشید.»

با یافتن مادری گمشده، علی رفیعی در رشته جامعه‌شناسی دانشگاه سوربون ثبت‌نام می‌کند. برای درآمد دربان شب می‌شود. با این حال، روزی در کافه داریل زانوگ شرکت مشهور فوکس قرن بیستم و مارک آلگره و رژه وادیم کارگردان فرانسوی و جورج گلاس او را به میز خود دعوت می‌کنند. وادیم به او پیشنهاد بازیگری می‌دهد. کارت و تلفنش را می‌دهد. با وجود مخالفت، مجاب می‌شود به مارک آلگره تماس بگیرد. می‌گوید «دو ساعت بعد با یک قرارداد در جیم برای بازی در فیلمی به نام «شب‌نشینی در کنت دورزل» بیرون آمدم.» او نقش شاهزاده ایرانی را بازی می‌کند. وادیم اما او را به مدرسه دولن می‌برد و دست علی

متفاوت بوده، «اما همیشه چنان بچه خوش لباسی بودم که هیچ‌کس به‌خصوص معلمان فکر نمی‌کردند که من از خانواده‌ای فقیرم. این یک دست لباس با چه سختی فراهم شده است. سخت به ورزش علاقه‌مند بودم. ورزش را دوست داشتم؛ اما وقتی به استودیوم ورزشی اصفهان می‌رفتم، بیش از آنکه به ورزش و نفس ورزش فکر کنم، فکر جای دیگری بود.» در مصاحبه می‌گوید با درواز هبانی فوتبال کارش را آغاز می‌کند و الگویش در یازده سالگی می‌شود کارلو، دروازهبان ارمنی اصفهان. بعدها عضو تیم شاهین اصفهان می‌شود و به سبب عدم امکان تحصیل رشته تربیت‌بدنی را برای تحصیل انتخاب می‌کند. با این حال دلش جای دیگری بود. می‌گوید «بلندپرواز بودم و نمی‌خواستم معلم ورزش بشوم. این را برای خودم کم می‌دانستم. من بچه درس‌خوانی بودم، یعنی در مقایسه به آن بچه‌ها بد نبودم. شاگرد اول شدم و توانستم با کمک هزینه‌ای که به من می‌دادند وارد دانشگاه تهران شوم. حالا سال ۱۳۳۵ است و علی رفیعی ۱۸ ساله عازم تهران می‌شود.

علاقه‌مند به سینما می‌شود و به گفته خودش برای دیدن فیلم، پس از فرار از کلاس‌ها عازم خیابان شاه‌آباد سابق می‌شود. در یکی از همین فرارها چشمش به صفحه روزنامه‌ای می‌خورد که خبر از اعزام دانشجویان به خارج از کشور می‌دهد. سینما را رها می‌کند. در کنکور قبول می‌شود و با وجود ندانستن فرانسه، عازم فرانسه می‌شود. «هیچ چیز از فرانسه‌وز بانش نمی‌دانستم جز تصویرهایی از چند مکان در پاریس که طی چند سال دیده بودم... و البته تعدادی رمان فرانسوی که طی سال‌های قبل خوانده بودم.»

سال ۱۳۳۸، پاریس، رشته تربیت‌بدنی، آغاز ماجراجویی طولانی علی رفیعی در فرنگ می‌شود. دو سال اول رشته تربیت‌بدنی را در پاریس



سختش می‌گوید. همان چیزی که بسیاری تصور می‌کنند، سهل و پر جمل بوده است. هنرمند بل به‌سخن می‌گشاید و می‌گوید «در خانواده‌ای بسیار معمولی و تهیدست به دنیا آمدم. آنقدر تهیدست که حتی امکان تحصیل ابتدایی و متوسطه برای من و خواهرانم میسر نبود.»

اواز پدرش می‌گوید که ور شکسته دائمی بوده؛ اما خودش جوانی بوده بلندپرواز و عاشق زیبایی. برای این بلندپروازی کار می‌کند. او ترکیبی جذاب از کودکی داستان‌های قدیمی است. کودکی که برای مخارجش در تابستان بلال می‌فروشد و در زمستان شلغم، حتی به گفته خودش در بازار بساط فروش «مهر و تسبیح و دست‌بند» داشته است. خودش می‌گوید با این وجود ظاهرش

مقام مدیر روابط عمومی، پایش به ساختمان مدور چهارراه پهلوی آن روزگار باز می‌شود. می‌گوید در ساختن نسخه اولیه «خاطرات و کابوس‌های یک جامعه‌دار از زندگی و قتل میرزا تقی خان فراهانی» او را همراهی کرده است و با وجود رفتن علی رفیعی از تئاتر شهر، رفاقت این دو تا به آن روز و احتمال قوی تا به امروز، پابرجا می‌ماند.

نکته مهم این گفتگو راحتی هر دو در مصاحبه است. علی رفیعی بی‌روتش سخن می‌گوید و امید روحانی ر ک و صریح می‌پرسد. حتی می‌توان گفت برخلاف بیشتر مصاحبه‌های رفیعی، رنگ و لعاب شخصی پیدا می‌کند. از همان ابتدا که روحانی به لهجه اصفهانی رفیعی اشاره می‌کند، علی رفیعی از گذشته



احسان زبور عالم

در روزهای پایانی ۱۳۷۷، امید روحانی، منتقد شناخته‌شده سینما در مجله «صحنه» متعلق به حوزه هنری مجموعه‌ای شش قسمتی از گفتگوهایش با کارگردانان شاخص تئاتر ایران منتشر می‌کند. اولین قسمت این گفتگوها به علی رفیعی اختصاص پیدا می‌کند که در زمان مصاحبه وارد شصت سالگیش می‌شود. در ابتدای گفتگو، روحانی تأکید می‌کنند رفاقت میان او و علی رفیعی به ۱۳۵۴ بازمی‌گردد؛ زمانی که رفیعی به عنوان مدیر تئاتر شهر برگزیده می‌شود و روحانی در

کتابخانه

کتاب امروز:

از دولت حافظ



لیما نوربخش

درباره خواجه حافظ شیرازی که سرآمد غزلسرایان پارسی است تاکنون کتاب‌های بسیاری نوشته شده است. شعر او ویژگی‌هایی دارد که همواره مورد توجه علاقمندان به

باخروج انگلستان از اتحادیه اروپا؛

«سایمون رتل» از ارکستر سمفونیک لندن جدا می‌شود

سابقه رهبری ارکستر فیلارمونیک برلین را در کارنامه خود دارد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، سایمون رتل، موسیقیدان بریتانیایی، تا سال ۲۰۲۳ به عنوان رهبر ارکستر رادیو باواریا در مونیخ فعالیت خواهد داشت.

رتل که به عنوان یکی از شناخته‌شده‌ترین رهبران گروه نوازندگان در جهان شناخته می‌شود یک قرارداد پنج‌ساله را با این ارکستر آلمانی به امضا رسانده است. نماینده ارکستر رادیو باواریا در مونیخ نیز در بیانیه‌ای

«سایمون رتل»، رهبر ارکستر بلندآوازه جهان و رهبر فعلی ارکستر سمفونیک لندن، در تصمیمی که به عنوان یک تغییر بزرگ در موسیقی کلاسیک بریتانیا توصیف شده است، ارکستر سمفونیک لندن را به منظور هدایت ارکستر رادیو باواریا مونیخ ترک خواهد کرد. رتل از سال ۲۰۱۸ رهبری ارکستر سمفونیک لندن را که در سطح بالایی از کیفیت و ساماندهی قرار دارد عهده‌دار شده بود. او در دو سال گذشته نیز هدایت این ارکستر را بر عهده داشت. این رهبر ارکستر پرآوازه انگلیسی، ۱۶ سال نیز